

'تقوی'! یعنی چی؟

در گرماگرم بحث های انترنتی با مایه و بی مایه پیرامون گذشتهء ح د ح ا و جویبارهای خوردوبزرگ سرازیرشده از آن مطلبی در سایت وزین "آینده" زیر عنوان:

طرح پیشنهادی **'تقوی' به "خانوادهء بزرگ خلقی ها"** خواندم که پرسشهای را در ذهنم ایجاد کرد. اگر این طرح نما را در سایت "آینده" که نشریهء الکترونیکی پر ارج و با اعتبار در رسانه های گروهی چپ کشور به شمار می رود نمی دیدم، وقت خود را صرف این نگارش نمی کردم، اینکه چرا؟ در آخر به عرض می رسانم.

اول می روم به "خانقا" تا ببینم مرشدین "تقوی" چه "ذکری" بر زبان دارند.

در آغاز "طرح تقوی" نتوانستم پی ببرم که این "تقوی" کی است و یا چی است، انسان است سازمان است و یا جماعت پرهیزگاران و صوفی مشربان؟ چون نی از آدرسی خبری بود و نی از هویتی. بعد با کلمهء "تقوی" ها برخورددم و در ادامه هم کلمه های مانند "چپ، دموکراتیک و انقلابی" را خواندم و متوجه شدم که باید چند نفر اعضای دیروز "جناح خلق" ح د ح ا گردهم آمده و تشکل سیاسی را بنام "تقوی" به قول خودشان جمع و جور کرده باشند. اولین پرسشی که لا درنگ در ذهن پدیدار می شود اینست که آیا این تشکل مدرک شناسائی هم دارد و چگونه تشکلی است که عوام الناس تا کنون از هویت و موجودیت اش خبرنیست و ناگهان با پشتارهء "تقوی" در صفحه های انترنت ظا هر می شود؟ اگر مبارزهء مخفی می کند، در شرایط زندگی در غرب که کانسپراتیسم و پنهان کاری جا ندارد مگر اینکه خرابکاری در میان باشد. اگر از "انقلابی" بودنش می هراسد،

انقلابی ترهای وجود دارند که در صدد پیاده کردن "کمونیسم-مائوئیسم افغانی" در اروپا و کانادا اند ولی تشکیلات و نشرات علنی دارند. اگر از چسپیدن به نخ های پوسیدهء جناحی احساس خجالت می کند پس مفهوم فعالیت اش چیست؟ در غیر آن "تقوی" چگونه شکل "چپ انقلابیست" که نی برنامهء دارد، نی تشکیل و نی نام و نشانی؟

ازین گذشته اگر وارد محتوی "تقوی نامه" شویم تناقض گوئی ها و دست انداختن ها به اینسو و آنسو مانند تأیید استعمار - رد استعمار، تأیید ناتو - رد ناتو و ازین قبیل حرف ها آنقدر زیاد اند که به استثنای پیشنهاد تدویر سیمینارهای "خانوادهء بزرگ خلقی ها" در اروپا، خانوادهء که اصلاً وجود ندارد چیزی دیگری که بامعنی باشد در متن به ملاحظه نمی رسد.

نمی خواهم به بررسی مفصل مسئله پردازم چون نوشتهء از محترم اسدالله اندیشه در نشانی داده شده در پایان صفحه (سایت "آینده") خواندم که بی ماهیت بودن طرح "تقوی" را در اغلب موارد به روشنی بیان کرده است با آنهم خالی از صواب نخواهد بود اگر بر بعضی از جنبه های آن مکثی صورت گیرد.

واقعیت مسلم است که اصطلاح "دموکراتیک خلق" معرف حزب دموکراتیک خلق افغانستان یعنی بزرگترین حزب سیاسی اثرگذار کشور در دهه های (۶۰-۸۰) سدهء گذشته محسوب گردیده هر دو جناح خلق و پرچم را در بر می گیرد. مستثنی از "محفل انتظار" به رهبری یکی از مبارزین نستوه کشور روانشاد محمد طاهر بدخشی که اندکی بعد از کنگرهء موسس ح د خ ا، راه و مکتب اش را جدا کرد دیگران همه چه کنیت خلقی گرفتند یا پرچمی، چه سازمانهای اولیهء منشعب داشتند یا واحد، چه آن یکی بر این دیگری ظلم روا داشت یا باهم در سنگرهای مشترک رزمیدند، در هر حال و وضعیکه بسر می بردند شاگردان همان مدرسهء دموکراتیک خلق بوده تا هنوز به نام اعضای دیروز ح د خ ا مسمی اند و برای ابد با این نام باقی می مانند.

ح د خ ا دیگر به تاریخ پیوسته است اما کلمه های خلق و پرچم جزء لاینفک شناسنامه آن به شمار رفته هر گونه تلاش برای منسوب دانستن "دموکراتیک خلق" به جناح خلق جعل کاری ای بیش نیست *

توجه کنید! "۰۰۰ د ۱۳۵۷ لمریز کال د لینی (قوس) د میاشتی په شلمه نېټه د گوند د مرکزی کمیټې پلېنوم په خپلي رځنده پرېکړې سره ټول کارمليان(هدف این آقا حتماً جناح پرچم است) په بشپړه اصولي توگه د گوند له لیکو څخه د همېش لپاره وشرل . باید یوځل بیا تاسو بڼاغلي ته په ډاگه ووایم چې کارملي پلي ان له نوموړي نېټې څخه راپه دې خوا د افغانستان د خلکو دموکراتیک گوند د غړیتوب ویاړ له لاسه ورکړی و . (ازجعلنامه آقای به نام دکتور؟؟؟محمد علی هوما در سایت ۲۸ اسد)" * اگر کسی در تفکر خویش با چنین آدم های بیمار و پرعقده که شیر را سیاه می بینند همردیف گردد دیگر جای برای بحث باقی نمی ماند *

در طرح "تقوی" آمده است که " شکست ما به مفهوم خطاکاری ما نیست" * زندگی به یقین فرازونشیب های فراوان دارد که گاهی از فرمان اراده خارج می گردد و به سمتی می رود که ما نمی خواهیم، اما این بدان معنی نیست که در غندی خیر بنشینیم و تصور نمائیم که کار خطائی نکرده ایم * اگر خطا نکردیم چرا شکست خوردیم ؟ اگر شکست خارج از اراده ما بود عواملش در کجاست؟ اگر شکست به تقصیر ما بود دلایل اش در کجاست؟

واقعیت ها گواهی می دهند که هر دو علل یعنی عوامل خارجی (خارج از اراده ما) از قبیل مداخله ارتجاع و امپریالیزم و عوامل داخلی (به تقصیر ما) از قبیل خطا ها، کجروی ها و لغزش های صریح و مشهود در مراحل مختلف حاکمیت اعم از حاکمیت تک جناحی "خلق" و حاکمیت مشترک الجناحی "خلق و پرچم" از دلایلی اند که زمینه را برای شکست و زوال فراهم کردند *

وقتی حرف از شکست می زنیم باید بدانیم که اگر عوامل خارجی در اراده ما نبودند می توانستیم از بروز عوامل داخلی جلوگیری نمائیم و یا آنها را حد اقل در سطحی نگه می داشتیم که در انجام کاراگر خوشنود و رستگار نمی بودیم اقلأ ذلت و خواری نصیب ما نمی شد. مسئولانه نمی دانم اگر حرف از شکست به زبان آوریم مگر از کنار اشاره به دلایل آن ولو مختصر خاموشانه بگذریم، بی مسئولانه تر اینکه در باره گذشته و تعلیق جناحی خود ندهای آتشین سر دهیم، فریاد های کرکننده بکشیم و دلبستگی های پر از احساس و عاطفه نشان دهیم ولی اینکه چرا مردم به کام آتش جهاد و ارتجاع فرو رفت و ما روانه غربت و هجرت شدیم زبان ببندیم.

طراح "تقوی" می خواهد "در پرتو حقایق موجود و زنده خلقی ها این خانواده بزرگ سیاسی را در راستای اهداف کنگره موسس ح د خ ا دو باره جمع و جور کند" و آنرا به

"سرشت اصلی" اش پیوند دهد اما نمی گوید چطور؟ چونکه با تدویر سیمینارهای علمی، غیرعلمی، پراتیکی و یا هر نامی که بالایش می گذارید، آنها در اروپا، محال است تا به اهداف کنگره موسس حزب دست یافت زیرا پیگیری اهداف کنگره موسس کار سیاسی و سازمانی متداوم و خستگی ناپذیر در داخل کشور می خواهد، با سخن پردازی های میانتهی نمی توان به اهداف سیاسی رسید. از جانب دیگر طراح فراموش می کند که در پی ریزی اهداف کنگره موسس نه تنها خلقی ها بل افرادی دیگری نیز سهیم بودند که به "خانواده بزرگ" تعلق نداشتند حتی اولین برنامه ح د خ ا را آنها تهیه کردند که جزء این "خانواده بزرگ" نبودند پس معلوم نشد که طراح در جستجوی چیست و دنبال کدام کنگره موسس سرگردان و بی هدف روان است؟ بر علاوه تعداد کثیری از وابستگان "خانواده بزرگ خلقی ها" امروز در احزاب، سازمان ها و گروه های گوناگون و مختلفی شکل یافته اند که بازار آزاد، جهت کاملاً متضاد با اهداف کنگره موسس در برنامه هایشان با خط درشت انعکاس یافته است. برخی ها حتی پا را ازین هم فراتر گذاشته در خدمت ارتجاع جهادی زانو زده اند. محترم اسدالله اندیشه که در بالا از ایشان نام بردم سید محمد گلاب زوی را مثال آورده است.

من یک مثال دیگر می آورم: شهنواز تنی که زمانی عضو بیروی سیاسی کمیتهء مرکزی حزب و وزیر دفاع بود(مربوط به همین خانواده) و امروز حزب خودش را دارد در تبنانی با یکی از جنایتکارترین و بد نام ترین چهره های ارتجاع سیاه جهادی گلبدین حکمت یار دست به توطئهء مسلحانه علیه دولت مشترک خلقی ها و پرچمی ها زد و بعد از شکست مفتضحانه به دامان آی اس آی فرار کرد. حال چطور ممکن است با اینگونه آدم ها کنار آمد؟

برای رفع سوء تفاهم نیاز به یادآوری میدانم که همهء معامله گران و آنهای که بار گناه های سقوط حاکمیت را بر دوش دارند صرف نظر از تعلیقیت جناحی شان سزاوار تقبیح و محکومیت اند.

در وضع بحرانی موجود افغانستان که نبود جنبش نیرومند چپ دموکراتیک اثر های محسوسی در تمام عرصه های زندگی جامعه بجا گذاشته است اگر بازمانده های ح د خ ا مسئولیت خویش را در قبال مردم از یاد برند و در پی تصور های ذهنی گرانه و خود بینانه و منافع گروهی و جناحی روند، نه تنها کمکی به بهبود وضع نمی کنند بلکه به تشتت و پراگنده گی نیرو های تحول طلب هرچه بیشتر دامن زده آب را در آسیاب دشمنان ترقی و تعالی کشور می ریزند، این همان راهی است که بجای آب به سراب می برد. آنهای که واقعاً به وطن، منافع زحمتکشان و اهداف و آرمان های آغازین ح د خ ا می اندیشند باید خود را از حصار افکار و خیال های جناحی رها نموده تعقل و تفکر سالم سیاسی را پیشه کنند و در امر بسیج و تشکل نیروهای آگاه و رسالت مند چپ دموکراتیک فعالانه شرکت ورزند.

اکنون بر می گردم به آنچه در مدخل اشاره نمودم:

وقتی طرح پیشنهادی "تقوی" به "خانوادهء بزرگ خلقی ها" در سایت "آینده" به نظرم خورد چون عنوانش سوال برانگیز می نمود بدون تأمل به خواندن آغاز کردم، همینکه به

پایان متن رسیدم به دلیل اینکه به مثابه خواننده دایمی سایت بامشی نشراتی آن آشنائی دارم از نشر این مطلب متعجب شدم.

سایت "نهضت آینده افغانستان" آنگونه که در آغاز تذکر دادم از نشریه های با اعتبار الکترونیکی در خانواده رسانه های گروهی چپ افغانستان به حساب می آید که دایماً موضوعات حاد کشوری و مسایل آموزنده تیوریکی را برای دانش آموزان مدرسه چپ دموکراتیک کشور به نشر می رساند. شخصاً مطالب را با علاقه مندی تمام می خوانم و سعی می کنم به داشته های اندک فکری ام یک مقدار بافزایم.

در حالیکه به آزادی رسانه ها، آزادی بیان و عقیده ارج و احترام فراوان قایلیم درک نکردم که چرا این بار نوشته ای به نشر رسیده که چیزی با ارزشی ارائه نمی دهد جز اینکه تراوش های ذهنی فرد و یا افراد مجهول الهویت به بیرون انتقال یافته و سایت "آینده" هم درین راه وسیله شده است. بدینجهت خواستم تا محتوی مطالب نشر شده را بصورت فشرده روشن سازم.

بدون شک دست اندر کاران سایت وزین "آینده" که مطمئناً از قلم بدستان ماهر و نخبه گان فرهنگی کشور ما اند زیانبخش بودن نشر اینگونه مطالب بی مایه و بی سود را برای اعتبار و اتوریتته سایت بخوبی درک کرده اجازه نخواهند داد تا نام ارزشمند این مرجع معلوماتی-آموزشی برای پیروان هدفمند اندیشه های والای دفاع از منافع انسان کار و زحمت به گونه ای مکدر شود.

بااحترام

www.ayenda.org